

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

The place of wisdom in the thought and life of Martyr Soleimani

Najmeh Keikha

Abstract

The main purpose of this article is to show the impact of wisdom in the life of Martyr Soleimani. In fact, the author has assumed that he acted on the basis of wisdom and lived a wise life. Accordingly, we are looking for an answer to this fundamental question, what factors have played a role in the wise view and thought of Martyr Soleimani, and from what sources is this wise life watered? The answer to this question can be found based on the speeches of the martyr himself, the speeches of the Supreme Leader and the comrades of Martyr Soleimani in three cases: the role and influence of Imam Khomeini, the revolutionary sage of Iran and the contemporary world, And self-improvement and personal refinement of Martyr Soleimani. These characteristics, which are fully evident in the words of the martyr and the commanders of the holy defense, are the same characteristics that the Supreme Leader of the Revolution has outlined in the statement of the second step in the discussion of spirituality and morality. He believes that these matters are not achieved by order and command, but should be implemented in people's lifestyles. The author is of the opinion that showing the spiritual lifestyle of Martyr Soleimani and explaining its details can be effective in spreading such a lifestyle; Especially since he himself had a wise life.

Keywords: Wisdom, Lifestyle, Imam Khomeini, Holy Defense, Second Step Statement, Soleimani.

جایگاه حکمت در اندیشه و سیره‌ی شهید سلیمانی

نجمه کیخا^۱

چکیده

هدف اصلی این نوشته آن است که تأثیر حکمت در زندگی شهید سلیمانی نشان داده شود. در واقع نویسنده این امر را مفروض گرفته است که ایشان بر اساس حکمت عمل نموده و زندگی حکیمانه‌ای داشته است. بر این اساس در جستجوی پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که چه عواملی در نگاه و اندیشه‌ی حکیمانه‌ی شهید سلیمانی نقش ایفا نموده است و این زیست حکیمانه از چه سرچشمه‌ای سیراب می‌شود؟ پاسخ این پرسش را بر اساس سخنرانی‌های خود شهید، سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و هم‌زمان شهید سلیمانی می‌توان در سه مورد یافت: نقش و تأثیر حکیم انقلابی ایران و جهان معاصر امام خمینی، ویژگی و خلوص خاص دوران دفاع مقدس، و خودسازی و تهذیب فردی شهید سلیمانی. این ویژگی‌ها که کاملاً در کلام شهید و فرماندهان دفاع مقدس مشهود است، همان ویژگی‌هایی است که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم و در بحث معنویت و اخلاق طرح نموده‌اند. ایشان معتقد است این امور با دستور و فرمان به دست نمی‌آید بلکه باید در سبک زندگی افراد جاری شود. نویسنده بر این نظر است که نشان دادن سبک زندگی معنوی شهید سلیمانی و تبیین جزئیات آن می‌تواند به گسترش چنین سبکی از زندگی مؤثر افتد؛ به ویژه این که ایشان خود واجد یک زندگی حکیمانه بودند.

واژگان کلیدی: حکمت، سبک زندگی، امام خمینی، دفاع مقدس، بیانیه گام دوم، قاسم سلیمانی



۱. مقدمه

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، نکته‌ی مهمی مورد اشاره قرار گرفته است. انقلاب اسلامی و نظامی که از آن برآمد از نقطه‌ی صفر آغاز شد و هیچ تجربه پیشینی نداشت. آنچه به آن مدد رساند، ایمان و اعتقاد اسلامی و رهبری امام خمینی بود. ابزار پیشبرد اهداف این انقلاب، معنویت و اخلاق بوده است (بیانیه گام دوم). روشن است که این اخلاق و معنویت نمی‌تواند از سنخ اخلاق فردی و درون‌گرایانه‌ی صرف باشد بلکه با تدبیر امام خمینی و شعار «ما می‌توانیم» با نوعی مسئولیت اجتماعی در هم آمیخت و تحول بیرونی نیز ایجاد کرد. مطابق دیدگاه رهبر انقلاب، پیشرفت و عزت نظام سیاسی در گرو تداوم همین معنویت و اخلاق است. منظور از معنویت، برجسته کردن ارزش‌هایی مانند اخلاص، ایثار، توکل و ایمان است و مراد از اخلاق، رعایت فضایی همچون خیرخواهی، ایثار، انفاق، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و شهادت طلبی است.

تداوم این دو با فرمان و دستور رسمی و وضع قانون به دست نمی‌آید بلکه برنامه‌ریزی، کار و مدیریت جهادی می‌طلبد. به جای به کار بردن قوه قاهره باید زمینه‌ای فراهم شود که کار معنوی و اخلاقی در آن با سهولت و علاقه صورت گیرد. باید نهادهای خاصی برای همفکری و کمک به ایجاد فضای اخلاقی در جامعه ایجاد شود. رهبر انقلاب بیش از هر چیز بر ایجاد یک سبک زندگی معنوی و اخلاقی تأکید دارد. ایجاد چنین سبکی به این معنا است که شهروندان جامعه با علاقه و رغبت و با کم‌ترین مانع و دشواری می‌توانند افعال اخلاقی و معنوی داشته باشند. در کنار ایجاد چنین فضایی، رفتار اخلاقی مسئولین و سیاستمداران نظام نقشی اساسی و محوری دارد. به تعبیری که شهید سلیمانی بیان می‌کند. ما همواره آن بخش از اسلام را در می‌یابیم که دیده باشیم و به عمل آمده باشد (سلیمانی، ۱۳۹۲/۷).

بر اساس بیانیه‌ی گام دوم، سبک زندگی معنوی و اخلاقی نیازمند الگوهای عملی است. شهروندان بر اساس تصاویر ذهنی و انگاره‌هایی که از محیط پیرامون در ذهنشان نقش می‌بندد، عمل می‌کنند. حکمرانان جامعه و نخبگان و بزرگان نظام سیاسی از مهم‌ترین الگوهای اخلاقی هستند و اگر نوع عملکرد آنها به مذاق شهروندان خوش آید، به آن تمسک می‌جویند. در این پژوهش در راستای بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، الگوی عملی زندگی



شهید قاسم سلیمانی بررسی می‌شود. این الگو دارای چنان گستردگی و عمقی است که رهبر انقلاب از آن با عنوان «مکتب سلیمانی» یاد کرده است (خامنه‌ای، ۹۸/۱۰/۲۷).

نگارنده در این مجال اندک نمی‌تواند به تمامی ابعاد این مکتب پردازد اما می‌کوشد تا در حد وسع و زمان اندک خود، منشأ و چگونگی سریان حکمت را در زندگی این فرمانده بزرگ نشان دهد و آن را به عنوان بک الگوی عملی کاملاً عقلانی و حکیمانه به تصاویر ذهنی خوانندگان بیفزاید. شاید در ایجاد یک سبک زندگی بهتر مؤثر افتد. بر این اساس پژوهش در چند بخش سامان می‌یابد: تعریف حکمت، سرچشمه‌های حکمت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری نظام سیاسی، دفاع مقدس هشت ساله و برخی آموزه‌های مکتب تشیع.

۲. حکمت

حکمت متمایز از فلسفه است. فلسفه به طور عام به مطلق دانش عقلی گفته می‌شود و به طور خاص، «فلسفه آن علمی است که درباره کلی‌ترین مسائل هستی که مربوط به هیچ موضوع خاصی نیست و به همه موضوعات هم مربوط است بحث می‌کند و همه هستی را به عنوان یک موضوع در نظر گرفته و درباره آن بحث می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵۴). فلاسفه مسلمان با تأثیرپذیری از قرآن مقصود از آن را حکمتی می‌دانند که «نفس را برای ارتقاء به ملامت اعلی و غایت قصوی مهیا می‌سازد و همان عنایت ربانی و موهبت الهی است که خدای بزرگ آن را به هر که خواهد اعطا می‌کند. همچنان که می‌فرماید "یؤتی الحکمه من یشاء و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً" (صدرالمآلهین، ۱۳۶۴: ۱۱). این تعبیر از حکمت در آیه ۲۶۹ سوره بقره بیان شده است. نکته‌ی مهم‌تر این است که حکمتی که مد نظر حکمای مسلمان است تنها با آموختن دانش فلسفه در کلاس درس به دست نمی‌آید بلکه ملاصدرا می‌نویسد: «هیچ یک از بندگان خدا به آن حکمت دست نمی‌یابد، مگر آن که با نیروی تقوی و پرهیزگاری ترک خود و دنیا گوید و به زهد حقیقی روی آورد و خود را در خیل فرشتگان مقرب و بندگان درستکار پروردگار بیفکند، یا این که خدای تعالی او را از الطاف علم من لدن بهره‌مند سازد و به او حکمت و خیر و برکت و حیاتی پسندیده عطا فرماید و نوری فرا راهش گذارد تا بدان نور تاریکی‌های دنیا را درنوردد» (همان). جالب اینجاست که شهید سلیمانی که خود تحصیلات دانشگاهی حکمت و فلسفه دارد، به این امر به درستی واقف



است و در توصیف رهبر انقلاب به عنوان رهبری حکیم، حکمت را نتیجه و ثمره‌ی تقوا می‌داند که بر زبان و دل و عقل انسان جاری می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۸، ناگفته‌های جنگ سی و سه روزه).

اما از فحوای کلام ملاصدرا چنین به دست می‌آید که بخشی از حکمت توسط خداوند به انسان اعطا می‌شود و بخشی دیگر اکتسابی است و با ریاضت‌های علمی و عملی حاصل می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۸: ۴۹). بر این اساس ملاصدرا خاطر نشان می‌کند که: «باید که خود را به ریاضت‌های علمی و عملی عادت دهد و به کسب سعادت‌های ابدی پردازد، تا نور حق بر او تابیدن گیرد و چندان به ازاله تن پردازد تا به ملکوت سماوات ارتقاء یابد» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۴: ۱۲).

نکته‌ی مهم دیگر در باب حکمت این است که مطابق تعبیر فلاسفه‌ی بزرگ مسلمان، آمادگی دائم برای شهادت نیز نشان از حکمت است. از آنجا که هدف از جهاد «تمهید شرایط زیست مؤمنانه انسان» در ابعاد مادی و معنوی است، رهبران جامعه باید در مسیر خدمت به جامعه، همواره برای مقاومت، جهاد و شهادت آمادگی داشته باشند. منظور از رهبر تنها رهبر سیاسی جامعه نیست بلکه رهبران میانی همچون فرماندهان نظامی را نیز شامل می‌شود. شهید سلیمانی که از سال ۱۳۶۰ به فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله و سال ۱۳۷۹ به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد، بر اساس نظر ملاصدرا همواره در صف مقدم جبهه و جهاد آماده شهادت بود. یکی از ویژگی‌های رهبر که در کتاب «الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه» ملاصدرا ذکر شده و نیز در رساله «المبدا و المعاد» ایشان نیز آمده این است که «رهبر باید قلبی شجاع داشته باشد و از مرگ نهراسد؛ زیرا عالم آخرت در نظر او بهتر از عالم دنیا است. بنابراین در انجام امور دارای عزمی راسخ و قوی و غیرمتزلزل و بدون ترس و بیمی از مرگ است؛ بلکه او در انجام آنها جسور و پُردل و قوی‌النفس است، نه ضعیف‌النفس و متزلزل» (صدرالمتألهین، ۱۳۸۵: ۴۹۰).

جهاد و شهادت طلبی از مولفه‌ی دیگری مانند محبت و مهرورزی به مردم ناشی می‌شود در غیر این صورت نمی‌توان نشانی از «انفاق و ایثار جان» یافت. ملاصدرا در کتاب «کسر اصنام الجاهلیه» به این مطلب می‌پردازد که با وجود محبت «همه غم‌ها به فراموشی سپرده شود و بلکه انس و دوستی قلب را آن چنان فرا گیرد که متوجه امور دنیا نگردد» (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲) در تمامی تصاویر و فیلم‌های منتشر شده از شهید سلیمانی عشق به شهادت و محبت به مردم به عنوان ویژگی‌های یک رهبر حکیم نمایان است (لک‌زایی، ۱۳۹۸).



علاوه بر این، رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود از حکمت و عقلانیت در عملکرد شهید سلیمانی سخن می‌گوید و این شیوه را راه برون رفت از مشکلات و فشارها و توطئه‌های دشمن می‌داند. در این شیوه شجاعت و تدبیر هم‌زمان به کار برده می‌شود و عقلانیت مساوی با محافظه کاری و عقب ماندگی تلقی نمی‌شود (خامنه‌ای، ۹۹/۷/۲۳). قدرت نرم که در تعبیر رهبری زیاد وجود دارد کاری است که باید همراه با عقلانیت، منطق و سخنان حکمت آمیز باشد. این گونه است که قلوب را نرم کرده و بر دل‌ها می‌نشیند و نفوذ می‌کند (اکبری، ۱۳۹۹).

در کنار این مباحث غنی و پر بار در باب حکمت در اندیشه فلاسفه مسلمان، بحثی نیز با عنوان حکمت عملی یا عقل عملی وجود دارد که به نوعی می‌توان گفت در ادامه ی همین مباحثی است که ذکر گردید. این مباحث هم از سوی فلاسفه مسلمان و هم از سمت اندیشمندان غربی طرح شده است. حکمت عملی به عنوان یکی از نتایج فضیلت گرایی شناخته می‌شود. بر اساس این اندیشه، تربیت اخلاقی به معنای آموختن قوانین اخلاقی به افراد نیست. بسیاری از افراد با قواعد و هنجارهای اخلاقی آشنا هستند اما به آنها عمل نمی‌کنند زیرا نمی‌دانند چگونه و چه زمانی از این قواعد استفاده کنند. افراد در موقعیت‌های گوناگون و در مواجهه با شخصیت‌ها و رفتارهای بسیار متفاوت و در هنگام مواجهه با چالش‌های متنوع زندگی به نوعی مهارت و شناخت نیاز دارند که آنها را به سمت بهترین واکنش و تصمیم در لحظه‌ی مورد نیاز رهنمون شود. فضیلت‌گرایان بر این نکته واقفند که شناخت حد وسط به تنهایی ما را به سمت تصمیم‌گیری درست هدایت نمی‌کند بلکه فاعل اخلاقی باید خودش تصمیم بگیرد که چه چیزی در موقعیت خاصی که در آن قرار دارد مناسبتر است. بر این اساس «کار درست برای فرد درست و به میزان درست و در زمان درست با انگیزه‌ی صحیح و به شیوه‌ی صحیح» انجام خواهد شد. این امر نیازمند نوعی داوری و قضاوت در لحظات تصمیم‌گیری و در باب نحوه‌ی عمل است که عقل عملی نام دارد (سندل، ۱۳۹۴: ۲۵۹). اینکه در اندیشه‌های نوفضیلت‌گرایان مغرب زمین چه راه‌های برای ایجاد چنین فاعل اخلاقی در نظر گرفته می‌شود و چه تمهیداتی برای فضیلت‌مند شدن افراد پیشنهاد می‌گردد بحثی مفصل است که باید در کتب مربوطه به دنبال پاسخ آن بود. اما از همین زاویه آنها بر نکته‌ای تأکید می‌کنند که در اندیشه‌های اسلامی نیز مورد توجه است و آن اینست که افرادی که تصمیمات مهمی در زندگی می‌گیرند و نقش اثر بخشی دارند، بعنوان الگوهای اخلاقی جامعه معرفی شوند و این امر را راهی برای فضیلت‌مند شدن جامعه معرفی می‌کنند. تأکید بر معرفی و بزرگداشت، تکریم و

یادکرد امامان و بزرگان دینی و حماسی ما و ذکر کارهایی که کرده اند و سخنانی که گفته اند از همین رو است که آنان نقش مهمی در تربیت اخلاقی جامعه ایفا می کنند.

این نکته را باید ذکر کنم که فضیلت گرایی لزوماً با دینداری همراه نیست و برخی از نوفضیلت گرایان دیندار نیستند. آنها بر سبک زندگی فضیلت‌مندان و ایجاد منش اخلاقی در افراد و ایجاد تعهد و مسئولیت اخلاقی در جامعه تاکید می کنند و با سودگرایی و بازاری شدن و کالایی شدن مفاهیم و باورهای اخلاقی در جامعه مخالفند. اما در فضیلت گرایی اسلامی آنگونه که از دیدگاه فلاسفه مسلمان بحث گردید، امداد الهی به انسان برای تشخیص درست و نادرست و تصمیم‌گیری عادلانه و برحق جزئی از حکمت است و اصلاً حکمت نتیجه چنین امدادی است. عبارتی، در تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی دو جزء وجود دارد: بخشی تلاش، خودسازی و تهذیب، تجربه و مهارت فردی است و بخشی هدایت الهی و استعانت از خداوند برای در امان ماندن از هواها و لغزش‌هاست.

بر اساس آنچه گذشت، حکمت نوعی بصیرت درونی است که با الهام غیبی و خودسازی و تهذیب نفس فردی حاصل می‌شود و در کنار دانش و تدبیر به شجاعت و از خودگذشتگی نیاز دارد. شهادت طلبی، رأفت و محبت با خلق از ثمرات و نشانه‌های حکمت است که در رهبران جامعه جلوه می‌کند. در مباحث ذیل به این ویژگی‌ها اشاره می‌شود. تمامی این ویژگی‌ها از عواملی هستند که به گسترش حکمت در جامعه می‌انجامد و نوعی از معرفت را ایجاد می‌کند که با طرق عادی و مرسوم قابل دست یافتن نیستند. این نگاه می‌تواند در سبک زندگی حکمت‌آمیز مؤثر افتد.

۳. رهبری جامعه

شهید سلیمانی در وصیت نامه خویش، رهبر انقلاب را با عنوان «حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام» خطاب کرده است و امام خمینی را «قرین و قریب معصومین» (ع) می‌داند. وی معتقد است جهان اسلام پیوسته به رهبری نیاز دارد آن هم رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم علیه السلام. مشکلات کنونی جهان اسلام نیز ناشی از نداشتن چنین رهبری است. چنان که در فلسطین و لبنان و پاکستان و افغانستان خلأ وجود چنین رهبری به خوبی مشهود است. مجاهدین این کشورها با اینکه سالهاست مبارزه می‌کنند اما به نتیجه‌ی



قابل قبولی دست نیافته اند. در مقابل، ایران از این شانس برخوردار بود که رهبری حکیمانه‌ای داشته باشد به گونه‌ای که بتواند اسلام را احیا کند و جهان را تکان دهد. هر رهبری نمی‌تواند چنین نقشی ایفا کند و به مقام احیاگری اسلامی دست یابد. عنصر بارز چنین رهبری حکمت است.

سلیمانی، ارتباط تنگاتنگی میان ولایت فقیه و حکمت می‌بیند. ولی فقیه فقط دانای به فقه نیست بلکه عارف و حکیم هم هست و چون حکمت دارد کار حکیمانه انجام می‌دهد و تصمیمات حکیمانه می‌گیرد. این تعبیر سلیمانی را در سخنان جوادی آملی نیز می‌توان دید. تعبیر وی از امام خمینی شباهت زیادی با سلیمانی دارد. وی می‌گوید در حکمت متعالیه، ولی فقیه هم ولایت عرفان دارد، هم فقه و هم فلسفه:

«مسئله این است که چه کسی میخواهد جامعه را اداره کند؟ این فرد دارای ولایت حکیم است. حکیمی که این بزرگواران می‌گویند، همان حکیم قرآنی است که خداوند درباره او فرموده است: «من یوت الحکمه فقد أوتی خیراً کثیراً». بنابراین حکمت عبارت است از فلسفه، اخلاق، فقه و حقوق. مسئله ولایت فقیه نیز در همین مباحث مطرح می‌گردد؛ زیرا کسی که واسطه میان امام معصوم (ع) و مردم است، به این علم، عالم است. منظور از فقیه، جامع بین الفقهین است». (جوادی آملی، ۱۳۸۶:)

علما در عرف حوزوی خود اصطلاحی دارند به نام فقه اکبر و فقه اصغر. فقه اصغر همان فقه مالوف و مشهور در حوزه است که کتب مشخصی دارد اما فقه اکبر شامل کلیه‌ی دروس محوری حوزه همچون فقه و فلسفه و اخلاق و عرفان می‌شود و صاحب چنین فقهی از نوعی جامعیت برخوردار می‌شود. شاید تعبیر «امام» برای رهبران جامعه ما از این جهت باشد و از این رو سلیمانی تصریح می‌کند که ولی فقیه، حرمت مقدسات ما را دارد.

علاوه بر این سلیمانی مانند فلاسفه‌ی بزرگی همچون فارابی که رئیس جامعه را به طیب تشبیه می‌کنند، حاکم جامعه اسلامی یا همان ولی فقیه را طیب حقیقی، شرعی و عملی ما معرفی می‌کند (وصیت نامه). این تعبیر نیز نشان از ذو ابعاد بودن شخصیت رهبر جامعه دارد. بنابراین ما در جامعه‌ی ایران تحت رهبری و تعلیم یک حکیم قرار داریم که چنان که در ادامه می‌آید بیشترین تأثیر تربیتی را بر جامعه دارد.

آن گونه که غالباً تصور می‌شود، اساس همه‌ی تحولات و دگرگونی‌ها در شیوه‌ی آموزش و تلقین مطالب است اما به زعم سلیمانی، ساده‌ترین راه هر تحولی به مسئولین جامعه باز می‌گردد. اسلام ملموس و تجربه شده که در رفتار مسئولین و کارگزاران ما تبلور می‌یابد، تأثیر بیشتری در اذهان بر جای می‌نهد تا اسلامی که از طریق کتب می‌-

آموزیم (سلیمانی، ۱۳۹۲). وی با توجه به نقشی که یک الگوی موفق و مورد تأیید می‌تواند در جامعه داشته باشد بیان می‌کند که تأثیر یک انسان صالح در رأس یک ساختار، اساسی است. اگر انسان صالحی مثل امام خمینی نبود این حجم از ارزش‌ها درون نظام به وجود نمی‌آمد. فرماندهان شهید نیز انسان‌هایی صالح با چنین جایگاه و تأثیری بودند. آنان توانستند چنان تحولاتی را رقم بزنند که حیرت‌انگیز است و جوان‌های تحت امر آنها به جایگاه‌هایی در معنویت و عرفان رسیدند که علمای بزرگ به حال آنها غبطه می‌خوردند (سلیمانی، ۹۱/۱۲/۱۰).

بنابراین در نگاه شهید سلیمانی رهبر و رهبران جامعه، از نقشی اساسی در زندگی اجتماعی و سبک زندگی و هدایت جامعه برخوردار است و موفقیت و سربلندی یک جامعه به وجود رهبری حکیم است. این رهبر حکیم یک الگوی فکری و عملی است که به افراد جامعه می‌آموزد چگونه در موارد حساس زندگی تصمیم‌گیری درستی باشند. آموختن مثنی زندگی رهبران حکیم و تأسی به آنها به گسترش حکمت در جامعه می‌انجامد.

۴. جنگ و شهدا

آنگونه که از خاطرات شهید سلیمانی و رزمندگان همراه و رهبر انقلاب فهمیده می‌شود، سلیمانی در جنگ پرورش یافت و در تعامل با رزمندگان و فرماندهانی که خیلی از آنها شهید شدند پرورده و ساخته شد. او دیدگاهی خاص در باب جنگ و شهدا دارد که شاید در نوع خود تازه و با اهمیت است. شهدا را محور عزت و کرامت ما و متصل به دریای واسعه‌ی خداوند می‌داند. در سخنرانی در یادواره شهدای لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله نکات جالب توجهی در باب جنگ می‌گوید که بعد تربیتی آن در رأس تمامی این توصیف‌ها قرار دارد. جنگ، جامع‌ترین مجموعه در معرفی حقیقت اسلام در همه‌ی ابعاد است. مجموعه‌ی افکار، اعمال، مدیریت و رفتار رزمندگان و شهدا، حقیقت اسلام را نشان داد که شامل عرفان حقیقی، معنویت حقیقی، اسلام‌شناسی حقیقی، انسان‌سازی حقیقی، اسلام ناب حقیقی و تبعیت‌پذیری حقیقی بود. این عبارات نشان می‌دهد که سلیمانی تبلور عملی و عینی دین اسلام را در رزمندگان دفاع مقدس می‌بیند یعنی همان الگوی عملی کاملی که در بحث فضیلت‌گرایی مورد تأکید است و بخش مهمی از بار تربیتی جامعه را بر عهده دارد. وقتی می‌گوید «اسلام‌شناسی و اسلام‌ناب حقیقی» یعنی الگوی تربیتی و معرفتی کاملتری بعد از رهبری در این زمینه وجود ندارد. بر همین اساس جنگ توانست



تأثیرات زیادی بر جای بگذارد. عرفان و معنویت است که سبب می شود چشمه های حکمت بر قلب و زبان انسان جاری گردد و از این رو این رزمندگان و فرماندهان به جای حکیم دست یافته بودند.

تأثیرات جنگ در بعد درونی، افراد را متأثر نمود و در بعد بیرونی جامعه را تطهیر نمود و به سمت کمال و معنویت پیش برد. وی از جنگ با تعبیر مدرسه و مکتب یاد می کند که مریبان این مدرسه امام خمینی و فرماندهان شهید بودند (سلیمانی، ۱۰ اسفند ۱۳۹۱).

پیرو تعبیرات خاص حاج قاسم از جنگ که آن را مدرسه و مکتب می داند، آیت الله خامنه‌ای نیز دوران دفاع مقدس را میدانی می داند که عالی ترین فضایل انسانی اعم از فضایل اخلاقی و معنوی در آن بروز نمود. هر فردی که قصد شرکت در این جنگ را داشت، در یک شبکه زنده، کارآمد، داوطلبانه و پرشور جای خود را پیدا نمود. استعدادها شکوفا شد و همه توانستند همکاری و هم‌افزایی داشته باشند. در این الگو سازی جدید نحوه‌ی خاصی از تربیت معنوی پدیدار شد که افرادی مانند شهید سلیمانی از جمله ثمرات و نتایج این میدان‌اند. از جمله فضایی که در جبهه حاصل شد، تواضع، خدمت به دیگران، ایثار و از خودگذشتگی، روحیه‌ی خدمتگزاری، سحرخیزی و گریه‌های نیمه شب، شور و عشق توحیدی، بی‌اعتنایی به زیورهای دنیایی و.. بود (خامنه‌ای، ۹۹/۶/۳۱). شاید افرادی که به جبهه های جنگ آمده بودند مطالب زیادی در باب این فضایل شنیده و خوانده بودند اما حضور جمعی زیاد از این افراد در جبهه با شرایط و موقعیت زمانی و مکانی خاص، به این تعالیم رنگ دیگری داد و اثری متفاوت ایجاد نمود. این تأثیر روحی چنان بود که تلاش انفرادی این افراد در سالهای طولانی خارج از فضای جبهه نمی توانست چنین چیزی را پدید آورد. همین حرکت جمعی و منسجم است که تبدیل به یک فرهنگ شد و تحولات زیادی را رقم زد. حاج قاسم، چنین روحیاتی را در رزمندگان از عوامل برحق بودن ما در جنگ می داند. آن‌ها گاه از وری حجاب‌ها و پرده‌ها سخن می‌گفتند و موضوعات معنوی، اعتقادی، ایثار، شهادت و جهاد را در اعلی‌ترین شکل ممکن بروز دادند.

علاوه بر صحنه‌ی جنگ، خود شهید نیز آثار تربیتی بر جامعه دارد و شهید سلیمانی از وجود چنین افرادی متأثر بود. وی تعریف کرده است که نگاهش به جنگ در طی آشنایی با شهید کامیاب شکل گرفته است. شهید کامیاب در دوران طاغوت برای سخنرانی به کرمان می‌رود و حاج قاسم که آن زمان سیزده سال بیشتر نداشت با وی



آشنا شده و از این طریق با علمای کرمان ارتباط برقرار می کند (شیرازی، ۱۳۹۸). از نظر آیت الله خامنه ای نیز شهید، راه آینده را ترسیم می کند و می تواند تحرک و معنویت عظیم و دگرگونی جدیدی در جامعه و در میان جوانان ایجاد نماید. از نظر وی این فرهنگ است که می تواند کشور را نجات دهد و وظیفه ملی ما این است که از این فرهنگ فداکاری و غیرتمندی دفاع شود (خامنه ای، ۹۸/۱۰/۱۸).

یکی از فرماندهان دفاع مقدس معتقد است در طی جنگ تحمیلی الگویی از مدیریت جهادی شکل گرفت که سه ویژگی اساسی داشت:

۱. تنها زمانی حرفی زده می شود که به آن عمل شود و خود فرماندهان جنگ الگوی عمل بودند؛
 ۲. کارها برای رضای خداوند انجام می شد و ملاک این بود که آیا خدا از ما راضی است یا خیر؛
 ۳. الفت و برادری و عاطفه و اعتماد متقابل در میان رزمندگان حاکم بود.
- وی معتقد است شهید سلیمانی تربیت شده ی دفاع مقدس و انقلاب و متأثر از امام خمینی است (رضایی، ۱۳۹۸) و بر این اساس می تواند الگوی بزرگی برای جامعه باشد. این فرماندهان بر نیروهای تحت امر خود تاثیرات زیادی برجای گذاشته اند. جایگاه و نقش این فرماندهان نسبت به نیروهایشان همچون جایگاه قله نسبت به دامنه تشبیه شده است. سرسبزی دامنه به خاطر قله است و این فرماندهان در همه ی امور و موضوعات از جمله در دین، معنویت، صبر و شجاعت، قله بودند (سلیمانی، ۱۳۹۸/۷/۹).

پس از بیان جایگاه جنگ و شهدا بعنوان الگوهای جامعه، نکته ی قابل ذکر دیگر، چگونگی استفاده از این الگوها در جامعه ی امروز است. حاج قاسم برای استفاده از این الگوها توصیه می کند شهدا را در چشم و دل و زبان خود بزرگ ببینیم و به خانواده شهدا می گوید شهیدتان را با همان معنویت، صلابت و خصوصیت در خودتان جلوه گر کنید. وی بر انتشار کتاب خاطرات شهدا و جنگ، برگزاری کنگره شهدا، دایر کردن موزه دفاع مقدس، ثبت خاطرات و تجارب جنگ سوریه و عراق اهتمام داشت و حتی تشکیلاتی با نام حماسه ثارالله برای ثبت خاطرات پدر و مادر شهدا ثبت نمود. خود شهید نیز بسیاری از این کتب را مطالعه می کرد و نظر می داد. او به درستی متوجه شده بود که این وقایع و خاطرات باید به شکل ملموس تر و مؤثرتری در جامعه گسترش یابد؛ از این رو به بعد رسانه ای آن مانند ساخت فیلم عنایت داشت و در فیلم به وقت شام، بخش هایی از سریال پایتخت که مرتبط با داعش بود و نیز



فیلم بیست و سه نفر مشاوره می‌داد و در صحنه فیلمبرداری حاضر می‌شد (علی شیرازی، فصل ۹). شهید سلیمانی معتقد بود در جبهه‌های ما یک فرهنگ ناب عملی خلق شد که به جامعه هم سرایت نمود. این فرهنگ هر جا وارد شود می‌تواند تحول ایجاد کند (سلیمانی، ۱۳۸۵). این جمله‌ی حکیمانه‌ی شهید سلیمانی، بر ترویج سبک زندگی نقش آفرینان دفاع مقدس در جامعه‌ی امروزین ما دلالت دارد. هر قدر جزئیات زندگی این الگوها بیشتر تبیین گردد، شهروندان امروز بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری و قضاوت‌های خود از سبک زندگی آنها بهره‌جویند.

۵. اسلام و مکتب تشیع

حکمت حاصل مجاهدت و تلاش فردی و جمعی انسان در کاربست قوانینی است که شرع بر عهده افراد می‌نهد اگر چنین امری درست باشد، دین اسلام و مکتب تشیع بزرگترین منبع و سرچشمه حکمت و معرفت است. شهید سلیمانی در وصیت نامه خود، مذهب تشیع را «عطر حقیقی اسلام» می‌داند. در اشک بر فرزندان علی و فاطمه، نور و معنویت می‌بیند. غمی است که آرامش و معنویت دارد. اشکی است که ثمرات عملی و اجتماعی دارد و به دفاع از مظلوم و یتیم می‌انجامد. وی بعد از این جمله نتیجه‌ی بسیار جالبی می‌گیرد. به نظر او، جمهوری اسلامی نیز به جهت این که خاستگاه تشیع است باید حفظ شود. وی می‌نویسد: جمهوری اسلامی حرم است و اگر این حرم بماند دیگر حرم‌ها هم می‌ماند. هنر امام خمینی این بوده است که اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. وی معتقد است اگر اسلام نبود صدام و آمریکا چیزی از ایران باقی نمی‌گذاشتند (سلیمانی، ۱۳۹۸، وصیت نامه). یعنی اسلام و ایران خدمات متقابلی به هم کرده‌اند و می‌کنند. هر یک به وجود دیگری نیازمند است.

اسلام و مکتب تشیع است که کشور را حفظ نموده است و عوامل دیگر در درجه بعد قرار دارد. از این رو باید از اسلام، تشیع و ولایت فقیه دفاع نمود و آنها را حفظ کرد. وی از این جهت در وصیت نامه خویش، ولایت فقیه را به عنوان یکی از اصول معرفی می‌کند و حتی از این امور به عنوان رنگ خدا (صبغه الله) یاد می‌کند که باید بر هر رنگ دیگری ترجیح داده شود. بر این اساس به سیاسیون می‌گوید اگر عملی و کلامی داشتند که دین و



انقلاب را تضعیف کند، مغضوب پیامبر و شهدا خواهند بود (سلیمانی، وصیت نامه). توافق بر این اصول به انسجام و با هم بودن ما در جامعه می‌انجامد.

از نظر حاج قاسم سلیمانی همه‌ی آنچه که علمای دین ما فهم کرده‌اند اعم از تفسیر آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، توسط امام خمینی در ذیل جمهوری اسلامی جمع شده است. بنابراین این نظام همانند آموزه‌های منابع دینی ما می‌تواند انسان تربیت کند و بر این اساس حفظ این نظام واجب‌تر از نماز است حتی حفظ این نظام از وجود امام زمان واجب‌تر است. به تعبیر وی، «جمهوری اسلامی حقیقت تبلور یافته و عینیت یافته از دین است» (سلیمانی، ۹۸/۲/۹). این نتیجه‌گیری شهید سلیمانی، کاملاً بر اساس حکمت و عقلانیت و مصلحت گرفته شده است. اسلام و احکام، عقاید و اخلاقیات آن، مادامی که مجال ظهور و بروز نیابند و قوانین آن عملی نشود فایده‌ای نخواهد داشت و به اهداف و غایات خود نخواهد نرسید و ظرفی که این قوانین را عملی می‌سازد در حال حاضر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. اگر نظام وجود نداشته باشد، افراد به تنهایی کاری از پیش نمی‌برند. تربیت در جمع و در تعامل با افراد جامعه محقق می‌شود و اصلاً شخصیت‌هایی مانند حاج قاسم خود محصول چنین مکتبی است یعنی مکتب اسلام و امام خمینی (خامنه‌ای، ۹۸/۱۰/۱۳). نظام اسلامی ایران به تعبیر رهبری، یک نظام ایمانی و دینی است که می‌تواند امثال شهید سلیمانی را تربیت کند (خامنه‌ای، ۹۸/۱۰/۱۸). اسلام در نظام‌سازی و جامعه‌سازی الگوی مستقل خودش را دارد که مرکب از ایمان، علم و عدل است. ایمان می‌تواند هم در ساخت جامعه و هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تأثیر گذارد. از نظر وی یکی از الگوهایی که به این شیوه ساخته شده است، شهید سلیمانی است که توانسته است با عملکرد خود، الگوی مورد نظر اسلام را به جهان معرفی کند (خامنه‌ای، ۹۹/۶/۲).

۴. عرفان

شاید ثمره‌ی تمامی مواردی که در فوق برشمردیم از نقش جنگ و شهدا گرفته تا نقش رهبری و مکتب تشیع، در بحث عرفان خود را نشان می‌دهد. عرفان نهایت غایتی است که اسلام از انسان انتظار دارد. عارف از مرحله‌ی عدالت و رعایت حقوق و شایستگی‌های افراد فراتر می‌رود و به مرحله‌ی محبت و احسان می‌رسد که از



حق خود نیز می گذرد. دستیابی به عرفان همان رسیدن به حکمت و انجام افعال حکیمانه است. شهید سلیمانی در وصیت نامه خود از خدا می خواهد که همواره به سوی او روان باشد و سراسر وجودش را غرق از عشق خود کند (وصیت نامه). همه ی انسان ها در حرکتند و بسوی غایتی روانند اما عارف در جهتی والا حرکت می کند. از اینرو شهید سلیمانی می گوید هیچ انسانی بدون حرکت نیست و حرکت است که تعلقات انسان را پدید می آورد. اگر دنبال تعلقات پست باشیم، حرکت ما به همان سمت می شود و هر چه تعلق والاتر باشد، بی قراری انسان به سمت همان تعلقات والا می شود تا آنجا که به مقام عرفان می رسد. شهدا با عمل به احکام الهی به همین نقطه می رسند. آنچه باعث می شود به این نقطه برسیم این است که وجودمان را مملو از محبت الهی و تهی از محبت غیر الهی کنیم (سلیمانی، ۹۷/۵/۴). شاید از عرفانی ترین جملات شهید سلیمانی این است که در وصیت نامه خود می نویسد: خدایا بارها تو را دیدم و حس کردم (سلیمانی، ۱۳۹۸، وصیت نامه).

مهم ترین گام در رسیدن به عرفان خودسازی فردی به نحوی است که انسان تمامی کارها را تنها برای رضای خداوند و دستیابی به خشنودی او انجام دهد. مقام معظم رهبری یکی از دلایل تأثیرگذاری شهید سلیمانی در جامعه را اخلاص او می داند. به گونه ای که این شهید شجاعت و تدبیر خود را برای خدا خرج می کرد و اهل تظاهر و ریا نبود. وی در زمینه ی خودسازی و تزکیه و تهذیب خویش بسیار جدی بود. مراقب بود به کسی تعدی نشود، ظلم نشود و حدود شرعی را رعایت می کرد. وقتی شخصیت های ایمانی ایمانشان را با عمل صالح همراه نمایند و عمل جهادی انجام دهند، حتی دشمنان آنها را تحسین می کنند چنان که برای شهید سلیمانی چنین بود (خامنه ای، ۹۸/۱۰/۱۸) از جمله ویژگی های جبهه های جنگ که آنها را مکتب و مدرسه می دانستند از جهت رساندن رزمندگان مستعد به مراحل از این شناخت الهی بود. شهید سلیمانی سرمایه ای بود که در جنگ درست شد. برخی رزمندگان عارف به معنای واقعی کلمه بودند و در جبهه به درجاتی رسیده بودند که می توانستند آینده را ببینند و خبر از امور و حوادث پنهان دهند. این ها به برکت اسلام بود که در جبهه اتفاق افتاد (همان).

در جنگ سی و سه روزه، زمانی که کار بر حزب الله سخت شد، رهبری توصیه به خواندن دعای جوشن صغیر کردند و بنا به توصیه ی ایشان، این دعا مرتب از شبکه المنار پخش می شد. تعبیر و دریافت شهید سلیمانی از این دعا این بود که هر کس عبودیت و تعبد داشته و به قدرت خداوند معتقد باشد، این دعا در او اثر می کند؛ چنان



که معتقد بود سید حسن نصرالله اعتقاد زیادی به این دعا و بیانات رهبر داشت و این بیان را امری غیبی و الهی می‌دانست. از همین رو نیز پیروز شد (سلیمانی، ۱۳۹۸/۷/۹). وی عامل پیروزی رزمندگان در جنگ هشت ساله را بزرگ بودن خدا در ذهن رزمندگان و شهدا می‌داند که ماسوای او را حقیر و کوچک می‌داند. کسی که چنین اعتماد و توکلی پیدا کند در هر شرایطی پیروز است. همان گونه که اگر کسی از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او می‌ترساند، کسی که از خدا نمی‌ترسد خداوند او را از همه چیز می‌ترساند (سلیمانی، ۱۳۹۲/۷). این امر حقیقتی بود که شهید سلیمانی آن را بارها در میادین مختلف نبرد مشاهده کرده بود.

شهید سلیمانی بر امر خودسازی اهتمام داشت. سخنرانی‌های بسیاری از علما مانند آیت الله جوادی آملی، مشکینی، آیت الله مظاهری و مصباح یزدی را گوش داده بود، همه‌ی کتب شهید مطهری را خوانده بود. جسات منظمی در منزل خود داشت و روی شخصیت خود کار زیادی می‌کرد (شیرازی، ۱۳۹۹). وقتی از شهدای واحد مخبرات و بیسیم چی صحبت می‌کند، جمعیت حاضر را متوجه روح معنوی آنها می‌کند که مانند چشمه‌ای که از چاهی سرازیر می‌شود و سرزمین‌های مختلف را سیراب می‌کند، در مجموعه لشکر و رزمندگان جنگ جاری می‌شود و این معنویت ناشی از کلاس‌های قرآن، درس‌های تفسیر و نافله‌های شب در این واحد است. خودسازی آنها است که آنها را به این مقام رسانده است (سلیمانی، ۱۳۹۱).

از نکاتی که در باب تأثیرگذاری حاج قاسم در جامعه زیاد به چشم می‌خورد این است که مردم نسبت به وی محبت و ارادت داشتند. این امر ناشی از همان اخلاص و معنویت شهید سلیمانی است؛ زیرا به تعبیر رهبری، دل‌ها نزد خدا است. خدایی بودن سبب نفوذ کلام و مطیع شدن دیگران در برابر شهید می‌شد و مجموعه حرکات وی انسان تربیت می‌کرد. بارها به هم‌زمان یادآور می‌شد که در هر کار ببینید خودتان می‌خواهید انجام دهید یا بر خداوند توکل کنید. آنچه جوهره‌ی اصلی کارها است توجه به عنایت و نصرت و قدرت الهی و الهی بودن خود رزمنده است و تجهیزات جنگی و قدرت فیزیکی در درجه بعد قرار دارد (نوعی اقدم، ۱۳۹۸).

از مهم‌ترین آثار عرفان، مردم داری است. شهید سلیمانی عقیده داشت اگر مردم از ما راضی باشند، خداوند از ما راضی خواهد بود. خدمتگزاری مردم راهی است برای تقرب به خداوند. بر این عقیده بود که مردم از ما به خدا نزدیک‌ترند، آنان مخلوق و مورد توجه خداوندند از این رو باید به آنها خدمت نمود (زارعی، ۱۳۹۹). مشابه این



کلام را امام خمینی نیز دارد؛ آنجا که به مسئولین نظام می گوید زمانی کارتان را خوب انجام داده اید که مردم از شما راضی باشند؛ رضایت خداوند در گرو رضایت مردم از شماست (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۰).

این مطلب در مباحث عرفانی و از جمله مباحث حکمت متعالیه به روشنی آمده است که اسفار چهار گانه سیر و سلوک در سفر چهارم باید در جامعه و در میان خلق باشد و عارف در سفر چهارم باید به خدمت به خلق بپردازد تا سفرهای وی تمام شود. بدون خدمت و هدایت مردم و بدون با مردم بودن مراحل سیر و سلوک عارف تمام نمی- شود و عارف هر مقدار که به مردم نزدیک شود و دست خلق را بگیرد می تواند به تکمیل سیر و سلوک خود بپردازد.

۷. نتیجه گیری

در این نوشته تلاش شد نشان داده شود که عملکرد و گفتار شهید سلیمانی حکیمانه بود. این حکمت نه ناشی از تحصیلات آکادمیک در رشته فلسفه بلکه متأثر از مایه های قوی تری بود. بسیاری از افراد دانشجوی فلسفه و فارغ التحصیل این رشته می شوند اما حکمت راهی در سبک زندگی و تجربه ی زیسته ی آنها نمی گشاید. حکمت دو وجه اعطایی و اکتسابی دارد. انسان با خودسازی و عمل صالح زمینه های اعطای حکمت از سوی خداوند را فراهم می سازد. در این صورت تمام کردارهای انسان رنگ الهی به خود می گیرد و در مسیر درست قدم بر می دارد. شهید سلیمانی تمامی این آموزه ها را در جبهه های جنگ و آشنایی با رزمندگان و فرماندهان شهید و از بیانات رهبران انقلاب و آموزه های مکتب تشیع آموخته بود و تلاش کرده بود این آموزه ها را بیاموزد و به کار بندد. در این پژوهش به ابعاد این تعالیم اشاره شد.

تاکید خاصی در این پژوهش بر این امر شد که فضایی که انسان در آن قرار می گیرد تاثیر زیادی در تربیت او دارد. منظور از این فضا، مکان و موقعیتی است که فرد با افراد دیگر در تعامل قرار می گیرد. برخی فضاها انسان را از تعالی و صعود به سمت خداوند باز می دارد اما فضاهایی وجود دارد نه تنها انسان را در حرکت به سمت خداوند یاری می دهند بلکه خیر کثیر یا همان حکمت را نصیب انسان می سازند. وقتی به چنین خیری دست می یابیم اعمالی عاقلانه و مدبرانه و عاشقانه و از سر محبت و خدمت خواهیم داشت و این همان هدف اصلی انبیا و نظام



سیاسی ماست. سلیمانی معتقد است جبهه های جنگ و نظام سیاسی ایران که مهد اسلام و تشیع است، به مدد بهره جستن از رهبری حکیمانه و آموزه های عرفانی و عقلانی اسلام و یاری رزمندگان و مجاهدین، فضایی را ایجاد می کند که سبک زندگی حکیمانه را به ارمغان می آورد.

سلیمانی به واقع فرزند انقلاب و یکی از نتایج و آورده های انقلاب اسلامی ایران است. بزرگی یک حرکت و یک انقلاب را می توان از بزرگی فرزندان آن انقلاب دریافت و برای انقلاب ما همین شخصیت سوای دیگر بزرگان فکری و اجرایی آن کافی است. عمل حکیمانه از سویی در برابر اعمال خشونت آمیز و متعصبانه تکفیری و از سوی دیگر در مقابل اعمال مخالف دین قرار دارد و می تواند تعادل، صلح و آرامش را نتیجه دهد. این زندگی حکیمانه و متعادل همان سبک زندگی ای است که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم خواهان تحقق آن در جامعه بودند و شهید سلیمانی نمونه ای از چنین سبک زندگی را به نمایش نهاد.

در این پژوهش راه هایی که در مکاتب فلسفی اسلامی برای جاری شدن حکمت بر جان انسان بررسی شد و از تمایز این مکتب با دیگر مکاتب در مقدمه سخن رفت. از جمله نوآوری ها و پیشنهادات این مقاله اینست که در تأکید بر نقش الگو در تربیت انسان های فضیلت گرا بایستی نقش و تأثیر جنگ را نیز افزود اما نه هر جنگی. بسیاری از جنگ ها به جز ویرانی و خسران چیزی بر جای نمی نهند اما جنگ هشت ساله ایران و عراق، که به درستی دفاع مقدس خوانده شده است، مکتب و مدرسه ی تربیت انسان بود. از جمله عوامل امتحان و فتنه ی الهی که تأثیر تربیتی عظیمی دارد.

برخی توجه به جنگ و شهدا را سوگ اندیشی و علاقه به سوگواری و ترجیح توجه به مردگان بجای اندیشیدن به زندگان می دانند. این امر می تواند در عرصه ی تصمیم گیری سیاسی و دیپلماسی جنگ نکته ای قابل توجه باشد که تدابیر عاقلانه و مصلحت اندیشانه ای اتخاذ شود که آسیبی به جان و مال شهروندان وارد نشود. اما همان گونه که در تمامی مصائب و سختی ها عبرت هایی برای خردمندان نهفته شده است و بنای نظام خلقت بر آزمون و امتحان و آبدیده شدن انسان نهاده شده است، بایستی این عبرت ها و نقاط درخشان را از زیر خاکسترهای جنگ بیرون کشید و برای نفع بخشیدن به جامعه، عرضه نمود. توجه به شهدا و واصلان به حکمت و معرفی آنها به جامعه از این قسم است.

منابع

- قرآن کریم
- بیانیه گام دوم انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- بانک اطلاعاتی شهید سلیمانی: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- اکبری، حسین (۱۳۹۹)، «ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم در مکتب شهید سلیمانی»، مجموعه گفتار پژوهی های مکتب شهید سلیمانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)، آدرس سایت: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، «بیانات در ارتباط تصویری با شرکت کنندگان در آیین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس»، ۹۹/۶/۳۱، به نقل از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46525>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، «پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او»، ۹۸/۱۰/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=44554>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، «بیانات در دیدار مردم قم»، ۹۸/۱۰/۱۸، به نقل از سایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، «بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت»، ۱۳۹۹/۶/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46303>
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، ج ۱۸، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- زارعی، سعداله (۱۳۹۹)، «جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی»، مجموعه گفتار پژوهی های مکتب شهید سلیمانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)، <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۲)، «سخنرانی در در یادواره شهدای ادوات لشکر ۴۱ ثارالله کرمان». به نقل از سایت: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۱)، سخنرانی در یادواره فرماندهان شهید لشکر ۲۷ محمد رسول الله کرمان، ۱۰ اسفند، به نقل از سایت: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸)، «ناگفته‌های جنگ سی و سه روزه در گفتگو با سرلشگر حاج قاسم»، ۱۳۹۸/۷/۹، به نقل از سایت: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸)، «سخنرانی در شهر امام»، ۱۳۹۸/۲/۹، به نقل از: <https://www.aparat.com/v/8jYKU>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸)، «متن وصیت نامه حاج قاسم سلیمانی»، به نقل از سایت: <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۷)، «سخنرانی سردار حاج قاسم سلیمانی در یادواره عملیات رمضان»، حسینیه امام خمینی (ره) شهر همدان، ۱۳۹۷/۵/۴، <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۱)، «سخنرانی سردار حاج قاسم سلیمانی در یادواره شهدای مخابرات کرمان»، <http://mgt.iuhu.ac.ir/page/hard-revenge>

